

کیلومتری شمال غربی تهران واقع است. جمعیت آن در سرشماری سال ۱۳۶۵ شمسی ۲۶۴۲۹ نفر بوده است.

آذر شهر ۱۳۹۰ متر بالاتر از سطح دریاهای آزاد قرار دارد و هوای آن معتدل است. مردم این شهر بیشتر به کشاورزی و صنعت می‌پردازند. مهمترین محصولات آذر شهر غلات، بُشن، و میوه است. صنایع عمده آن عبارت است از: تهیه برگه زردآلو، لپه پاک کنی، حوله بافی، روسری بافی، و تولید مصالح ساختمانی. در نزدیکی آذر شهر معدنهای سنگ گچ، تراورتن، مرمر، و سنگ آهک وجود دارد.

نام قدیم آذر شهر **دهخوارقان** بوده است. ۶۲

**آذری:** ✘ زبانی است که مردم آذربایجان پیش از رواج زبان ترکی در آن سرزمین به آن سخن می‌گفتند. به مناسبت نام آذربایجان آن را آذری خوانده‌اند. این زبان را در قدیم **آذریه** و **فهلوی آذری** نیز می‌نامیدند. بسیاری از زبان‌شناسان آذری را یکی از گویشهای زبانهای ایرانی دانسته‌اند. زبان آذری تا قرن هشتم هجری، و شاید تا مدتی پس از آن، نیز مهمترین زبان مردم آذربایجان بوده است.

وقتی که آریاییها به ایران آمدند، از میان آنها قوم ماد در غرب ایران، از جمله آذربایجان، ساکن شد. به همین سبب، زبان آذری را دنباله زبان مادها می‌دانند. در دوره اسلامی زبان آذری را گاهی **زبان فهلوی** (**پهلوی**) نامیده‌اند. فهلوی در منطقه پهناور **فهلک** به کار می‌رفت که شهرهایی چون اصفهان، ری، همدان، نهاوند، و سرزمین آذربایجان را در برمی‌گرفت. زبان آذری گویشهای مختلف داشت که مهمترین آنها عبارت بودند از: **تبریزی، آردبیلی، زنجان، و مراغی.**

رویدادهای تاریخی از زمان پادشاهی سلطان محمود غزنوی تا روی کار آمدن صفویان، زبان آذری را در برخورد با زبان ترکی قرار داد. در این مدت، در بیشتر شهرها و روستاهای آذربایجان زبان ترکی به تدریج جانشین زبان آذری شد.

در این مدت که نزدیک به هفت قرن و نیم طول کشید، به ترتیب سلجوقیان، آتابکان مستقل آذربایجان، مغولان، تیموریان، ترکمانان، و صفویان بر سرزمین آذربایجان حکومت کردند. همه این حکمرانان به زبان ترکی صحبت می‌کردند. صفویان نخست ترک زبان نبودند. جد آنها، شیخ صفی‌الدین آردبیلی، آذری زبان بود و دویستیهای به زبان آذری سروده است که هنوز باقی است. ولی در نتیجه پیشرفت تدریجی زبان ترکی در آذربایجان و آمیزش خاندان صفوی با قبیله‌های ترکمان، ترکی زبان این خاندان شد. زبان مادری شاه اسماعیل، مؤسس سلسله صفوی، ترکی بود و شعرهایی که از او به جای مانده است همه به زبان ترکی است. می‌توان گفت که تغییر زبان در آذربایجان در سه مرحله صورت گرفته است: نخست مرحله **ریخته زبان ترکی** در زبان مردم بومی. دوم، مرحله **کار برد همزمان ترکی و آذری** که نتیجه آن دو زبانه شدن مردم آذربایجان بود. سوم، مرحله‌ای که در آن زبان ترکی جانشین زبان آذری شد.


کردند. یکی از آنها این بود که زبان آذری، برخلاف فارسی که زبان رسمی و اداری و فرهنگی بود، به ندرت نوشته می‌شد. دیگری پراکندگی و فراوانی گویشهای زبان آذری بود، که به گفته یکی از تاریخ‌نویسان شماره آنها تنها در اطراف اردبیل به هفتاد می‌رسید.

می‌توان گفت که فراوانی و پراکندگی گویشها این گرایش را در مردم آذربایجان به وجود آورده بود که به وسیله ارتباطی مشترکی روی آورند. زبان ترکی در آن زمان می‌توانست این وسیله ارتباطی مشترک باشد، زیرا هم زبان گفتاری و هم زبان نوشتاری بود و مردم آذربایجان نیز بیش از دو قرن بود که با آن آشنایی یافته بودند.

ادامه حکومت فرمانروایان ترک زبان بر آذربایجان سبب شد که زبان ترکی جانشین زبان آذری شود. قومهای ترک زبان ایلخانیان، ایلکانیان، تیموریان، و ترکمانان قره‌قویونلو و آق‌قویونلو تا سال ۹۰۶ هـ ق بر آذربایجان فرمانروایی می‌کردند. در این مدت آذربایجان صحنه جنگهای شدید و قتل و غارت‌های وحشتناک بر سر حکومت و کسب قدرت سیاسی بود.

در این دوره زبان و فرهنگ و آداب و سنن مردم آذربایجان نیز دگرگون شد. در سال ۹۰۶ هـ ق که اسماعیل صفوی پادشاهی صفویان را در آذربایجان بنیاد گذاشت، فرهنگ و زبان ترکی عرصه را بر فرهنگ بومی و زبان آذری تنگ کرده بود، به طوری که برای نسل معاصر شاه اسماعیل صفوی زبان ترکی دیگر زبان خاص مهاجمان و مهاجران بیگانه نبود، بلکه به صورت زبان مادری و محلی مردم آذربایجان درآمده بود. طبیعی است که این زبان به عنوان زبان درباری شاهان صفوی نیز به کار می‌رفت، تا آنجا که سپاهیان صفوی نام ترکی *قزلباش* (= سرخ سر) بر خود داشتند.

پس از آنکه شاه تهماسب صفوی به سبب حمله‌های پی‌درپی دولت عثمانی پایتخت را از تبریز به قزوین انتقال داد، زبان ترکی در شرق و جنوب آذربایجان نیز نفوذ کرد و رفته رفته به صورت زبان مادری بیشتر مردم زنجان و قزوین و دور و بر آنها تا نزدیکی همدان درآمد.

با این همه، نباید گمان کرد که زبان ایرانی آذری به کلی از میان رفته است. امروزه آثاری از زبان آذری، به نام تاتی، را در بعضی از روستاهای دور دست آذربایجان می‌توان یافت، مانند روستاهای شمال و گلور در شهرستان خلخال، و *گرینگان* در شهرستان آهر. از این گذشته، در بعضی از روستاهای جنوب و جنوب غربی قزوین بیشتر مردم به تاتی سخن می‌گویند، مانند روستاهایی در *رامند* و *تاکستان* و دو روستای بزرگ *ابراهیم آباد* و *سگزآباد*. در *اِشتهارد* از روستاهای کرج و در برخی از روستاهای زنجان و رود *بار آلموت* و کوهپایه‌های طالقان نیز مردم زبان تاتی را حفظ کرده‌اند. 

**آراءات:** آتشفشانی است خاموش در نزدیکی مرز ترکیه و ایران و جمهوری آرمستان شوروی. این کوه را به ترکی *آغری داغ* و به آرمنی *ماسیس* می‌نامند. آراءات واژه‌ای است عبری که از نام سرزمین باستانی *اورارتو*

رخنه زبان ترکی در زبان مردم آذربایجان از یک واقعه تاریخی سرچشمه گرفت، یعنی از فتح *خوارزم* به دست سلطان محمود غزنوی در سال ۴۰۸ هـ ق. بر اثر این پیروزی، هزاران تن از ترکان ماوراءالنهر به خراسان مهاجرت کردند. دسته‌ای از این مهاجران در سال ۴۱۱ هـ ق از راه اصفهان به آذربایجان رفتند و در آنجا ساکن شدند و دسته دیگر در سال ۴۲۹ هـ ق از راه ری به این سرزمین کوچ کردند. سبب سکونت این دو گروه در آذربایجان وجود چراگاههای مناسب برای پرورش اسب در آن سرزمین بود. آنها بیشتر در حاشیه شهرها و نواحی کوهستانی ساکن شدند. مهاجرانی که در خراسان مانده بودند، به سرکردگی *طغرل بیگ*، در سال ۴۲۹ هـ ق در خراسان بر سلطان مسعود غزنوی شوریدند و پادشاهی سلجوقیان را تشکیل دادند. در سال ۴۴۶ هـ ق آذربایجان به تصرف سلجوقیان درآمد. پس از آنها اتابکان مستقل آذربایجان، که از فرزندان و نوادگان ایلدگیز (غلام دربار سلجوقی) و از مردم ماوراءالنهر بودند، تا سال ۶۲۲ هـ ق بر آذربایجان حکومت کردند.

در این دوره که بیش از دو سست سال به طول انجامید، پی‌درپی مهاجران دیگری هم از ماوراءالنهر به آذربایجان رفتند. این گروه‌ها، به سبب وابستگی نژادی و فرهنگی با طبقه حاکم و برخورداری از نفوذ و موقعیت اجتماعی خاص، در شهرهای بزرگ و در میان مردم بومی ساکن شدند. تسلط نظامی و سیاسی ترکان ماوراءالنهر و زندگی آنها در میان مردم شهرها سبب شد که رفته رفته مردم بومی با زبان ترکی آشنا شوند و ترکی در زبان آذری راه یابد. اما مردم آذربایجان تمایلی به پذیرش زبان ترکی از خود نشان نمی‌دادند و آن را زبان بیگانگانی می‌دانستند که به زور بر آنها فرمانروایی می‌کردند. بنابراین، در این دوره، همچون گذشته، زبان آذری زبان مردم بومی آذربایجان بود.

گسترش زبان ترکی در آذربایجان از دوره حکومت ایلخانان مغول بر این سرزمین روبه افزایش گذاشت. مغولها ترک نبودند، ولی چون به ماوراءالنهر دست یافتند، سپاهیان ترک را به خدمت گرفتند. حمله چنگیزخان مغول در سال ۶۱۶ هـ ق به ایران و سپس دستیابی مغولان بر آذربایجان سبب شد که گروهی دیگر از سپاهیان ترک زبان ساکن این سرزمین شوند. در حدود چهل سال بعد، *هولاکو*، نواده چنگیز، مراغه، یکی از شهرهای آذربایجان، را پایتخت خویش کرد. هفت سال بعد، پسرش، *آباقخان*، جانشین او شد و پایتخت خود را از مراغه به تبریز انتقال داد. پس از او، این شهر سالها همچنان مرکز فرمانروایی حکمرانان ترک زبان ایرانی بود. در این مدت، ترک زبانان، که جزء طبقه حاکم بودند، برتری کامل به دست آوردند. زبان و فرهنگ آنان بر زبان و فرهنگ بومی غلبه یافت تا جایی که ترک زبانان بومیان آذری زبان را به تحقیر *تاجیک* (غیر ترک) می‌نامیدند. نتیجه آن شد که از آن پس مردم آذربایجان به دو زبان سخن می‌گفتند. می‌توان تصور کرد که در خانه به زبان آذری حرف می‌زدند و با کارگزاران دولتی به زبان ترکی.

در این دوره عوامل دیگری نیز زمینه گسترش زبان ترکی را فراهم